

بسمه تعالی

# تأثیر روش ایفای نقش بر یادگیری درس مطالعات اجتماعی پایه اول متوسطه

مؤلف :

بی بی فاطمه حسینی

انتشارات ارسطو  
( چاپ و نشر ایران )

۱۳۹۴

سرشناسه: حسینی، بی بی فاطمه، ۱۳۵۳ -  
عنوان و نام پدیدآور: تاثیر روش ایفای نقش بر یادگیری درس مطالعات  
اجتماعی پایه اول متوسطه  
مشخصات نشر: مشهد: ارسطو، ۱۳۹۴.  
مشخصات ظاهری: ۱۱۰ ص.: جدول، نمودار.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۴۰-۲۴-۲:  
وضعیت فهرست نویسی: فیپای مختصر  
یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir>  
قابل دسترسی است  
شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۵۰۵۲۲

نام کتاب: تاثیر روش ایفای نقش بر یادگیری درس مطالعات  
اجتماعی پایه اول متوسطه  
مؤلف: بی بی فاطمه حسینی  
ناشر: ارسطو (چاپ و نشر ایران)  
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر  
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۴  
چاپ: مهتاب  
قیمت: ۶۵۰۰ تومان  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۴۰-۲۴-۲:  
تلفن های مرکز پخش: ۳۵۰۹۶۱۴۵ - ۳۵۰۹۶۱۴۶ - ۰۵۱ -  
[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ایران

## پیشگفتار

اثر حاضر به بررسی بکارگیری روش ایفای نقش در درس مطالعات اجتماعی در دانش‌آموزان پایه اول متوسطه پرداخته است.

جامعه آماری این کتاب را دانش‌آموزان دختر سال اول متوسطه ناحیه ۲ شهر ری تشکیل می‌دهد شیوه نمونه‌گیری تصادفی و خوشه‌ای می‌باشد نمونه‌ای با حجم کلی ۱۲۰ نفر از بین دانش‌آموزان پایه اول آموزش متوسطه که شامل ۴ کلاس سی نفری از بین مدارس مختلف این ناحیه بود. از بین این تعداد ۶۰ نفر گروه گواه ۶۰ نفر گروه آزمایشی را تشکیل دادند ارزیابی به صورت پیش‌آزمون و پس‌آزمون صورت گرفت از پرسشنامه نظرسنجی معلمان نظارت پژوهشگر استفاده گردید.

برای تجزیه و تحلیل از روش آمار توصیفی (جدول توزیع فراوانی، میانگین، انحراف معیار، نمودارها) و آمار استنباطی آزمون t استودنت، آزمون کلموگروف-اسمیرونف با کمک گرفتن از نرم افزار spss استفاده شد.

یافته‌های این اثر نشان داد که بین میانگین نمرات فراگیران گروه آزمایش و گروه کنترل در پایان دوره آموزشی با توجه به t بدست آمده تفاوت معنادار آماری وجود دارد. در نتیجه می‌توان ادعان نمود که روش ایفای نقش در یادگیری درس مطالعات اجتماعی از اثر بخشی بالایی برخوردار است.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	فصل اول
۹	مقدمه
۱۰	ضرورت و اهمیت مسأله
۱۲	مسأله پژوهش
۱۶	سؤالات تحقیق
۱۷	اهداف پژوهش
۱۷	روش تحقیق
۱۷	جامعه‌ی مورد نظر پژوهش
۱۷	نمونه‌ی آماری
۱۸	روش گردآوری اطلاعات
۱۸	ابزار گردآوری اطلاعات
۱۸	محدودیت‌های پژوهش
۱۹	تعاریف عملیاتی
۲۰	سایر فصول پژوهش (خلاصه‌یی از سایر فصل‌های تحقیق)
۲۱	فصل دوم: ادبیات و پیشینه‌ی تحقیق
۲۱	مقدمه
۲۳	ضرورت ایجاد تحول در فرایند یاددهی و یادگیری
۳۴	اثرات آموزشی و پرورشی

۳۵	..... فهرست مدل‌های تدریس
۳۵	..... الگوهای برنامه‌ی درسی و مدل‌های تدریس
۳۷	..... الگوهای جدید تدریس
۴۰	..... استفاده از اندوخته‌ی الگوهای تدریس
۴۶	..... رفتار معلم و یادگیری
۵۰	..... الگوی ایفای نقش
۵۱	..... ایفای نقش
۵۱	..... جهت‌دهی به الگوها
۵۱	..... اهداف و فرض‌ها
۵۶	..... کانون‌های ممکن برای یک جلسه‌ی ایفای نقش
۵۷	..... منابع موقعیت‌های دارای مسأله
۵۷	..... الگوی ایفای نقش
۵۹	..... کتاب مطالعات اجتماعی
۶۸	..... پیشینه‌ی تحقیق
۷۵	..... فصل سوم: مراحل انجام تحقیق
۷۵	..... مقدمه
۷۵	..... روش تحقیق
۷۶	..... جامعه آماری
۷۶	..... نمونه آماری و روش نمونه‌گیری
۷۷	..... تعیین حجم نمونه
۷۸	..... ابزار گردآوری اطلاعات
۷۸	..... پایایی ابزار پژوهش
۸۰	..... تکنیک‌های آماری مورد استفاده
۸۱	..... آمار توصیفی

۸۱	..... آمار استنباطی
<b>۸۲</b>	<b>..... فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده‌ها</b>
۸۲	..... مقدمه
۸۳	..... میانگین نمرات شیوه ارزشیابی
۸۴	..... میانگین نمرات محتوای کتب درسی
۸۵	..... میانگین نمرات فضای آموزشی
۸۶	..... میانگین نمرات ویژگی‌های دانش‌آموزان
۸۷	..... میانگین نمرات مهارت معلم
۸۸	..... میانگین نمرات روش تدریس
۸۹	..... آمار استنباطی
۹۱	..... نتایج برازش مدل رگرسیونی
۹۱	..... جزئیات مدل
۹۲	..... تحلیل واریانس
۹۲	..... برآورد ضرایب
۹۳	..... اطلاعات توصیفی نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون
۹۳	..... گروه گواه
۹۵	..... گروه آزمایشی
۹۷	..... بررسی اثرگذاری روش ایفای نقش بر روی نمرات دانش‌آموزان در درس مطالعات اجتماعی
<b>۹۹</b>	<b>..... فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری</b>
۹۹	..... مقدمه
۱۰۳	..... محدودیت‌های پژوهش
۱۰۵	..... پیشنهادات
<b>۱۰۷</b>	<b>..... فهرست منابع</b>

## فهرست جداول

صفحه	عنوان
۵۵	جدول ۱-۲-۱ مراحل ایفای نقش
۷۸	جدول ۱-۳-۱- متغیر و گویه‌ها
۸۰	جدول ۲-۳-۲- مقدار آلفای کرونباخ
۸۳	جدول ۱-۴-۱- میانگین نمرات شیوه ارزشیابی
۸۴	جدول ۲-۴-۲- میانگین نمرات محتوای کتب درسی
۸۵	جدول ۳-۴-۳- میانگین نمرات فضای آموزشی
۸۶	جدول ۴-۴-۴- میانگین نمرات ویژگی‌های دانش‌آموزان
۸۷	جدول ۵-۴-۵- میانگین نمرات مهارت معلم
۸۸	جدول ۶-۴-۶- میانگین نمرات روش تدریس
۹۰	جدول ۷-۴-۷- نتیجه آزمون کلموگروف-اسمیرونف
۹۱	جدول ۸-۴-۸- جزئیات مدل
۹۲	جدول ۹-۴-۹- تحلیل واریانس
۹۲	جدول ۱۰-۴-۱۰- برآورد ضرایب
۹۳	جدول ۱۱-۴-۱۱- گروه گواه
۹۵	جدول ۱۲-۴-۱۲- گروه آزمایشی
۹۸	جدول ۱۳-۴-۱۳- بررسی اثرگذاری روش ایفای نقش بر روی نمرات دانش‌آموزان در درس مطالعات اجتماعی

## فهرست اشکال

صفحه	عنوان
۸۳	نمودار ۱-۴. نمودار میانگین نمرات شیوه ارزشیابی
۸۴	نمودار ۲-۴. میانگین نمرات محتوای کتب درسی
۸۵	نمودار ۳-۴. میانگین نمرات فضای آموزشی
۸۶	نمودار ۴-۴. میانگین نمرات ویژگی های دانش آموزان
۸۷	نمودار ۵-۴. میانگین نمرات مهارت معلم
۸۸	نمودار ۶-۴. میانگین نمرات روش تدریس
۹۴	نمودار ۷-۴. توزیع نمرات پیش آزمون گروه گواه
۹۵	نمودار ۸-۴. توزیع نمرات پس آزمون گروه گواه
۹۶	نمودار ۹-۴. نمودار پیش آزمون گروه آزمایش
۹۷	نمودار ۱۰-۴. توزیع نمرات پس آزمون گروه آزمایش



---

# فصل اول

---

## مقدمه

امروزه مدارس و کلاس‌های درس را گروه شاگردانی تشکیل می‌دهند که در آن برای اکتشاف جهان و یادگیری چگونگی سیر و سیاحت ثمربخش گرد آمده‌اند. ما از این واحدهای کوچک جامعه‌ی خود انتظارات و امیدهایی بس فراوان داریم. امیدواریم اعضای آن بسیار باسواد شوند، و این که به خوبی بتوانند از عهده‌ی خواندن برآیند و با مهارت و ظرافت بنویسند. امیدواریم آنان جهان اجتماعی خود را دریابند، خود را مسئولانه در بهبود آن متعهد سازند، و شأن آن، خود شکوفایی، و احساس مؤثر بودن را در خود برای ایجاد زندگانی متعالی رشد دهند. این هدف‌های اساسی آموزش و پرورش محور اصلی بررسی تدریس است.

الگوهای تدریس خوب و بسیاری تدوین یافته است تا به ایجاد انواع خاصی از یادگیری

پرداخته و به بار آوردن یادگیران مؤثر کمک کند. حصول به شایستگی لازم برای کاربرد مؤثر و آسان این الگوهای تدریس به بررسی و تمرین بسیاری نیاز دارد، ولی ما می‌توانیم به نوبت بر یکی دو الگو تمرکز کرده و به آسانی اندوخته‌ی خود را از این الگوها افزایش دهیم (جویس، بروس ویل، مارشا و شاوز بورلی ۱۹۹۲).

دو مدل از مدل‌های تدریس که با الگوهای صفات و فرآیندهای انسانی هم‌پسته‌اند شامل الگوهای ایفای نقش و شبیه‌سازی می‌باشند.

صفات انسانی از طریق تجربه رشد می‌کنند. اجرای نقش نوعی تجربه را فراهم می‌آورد که دانش‌آموزان را به عشق مشکلات ارتباطات انسانی، از جمله احساسات، گرایش‌ها، ارزش‌ها و راهبردهای حل مشکل قادر می‌سازد. اجرای نقش می‌تواند یک مدل مفید در ارتباط با الگوهای نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی نیز باشد (سیلور جی گالن، الکساندر ویلیام جی و لوئیس آرتور جی ۱۳۸۰).

## ضرورت و اهمیت مسأله

مدت‌ها ست که در نظام آموزش ایران معلمان با تکیه بر روش‌های سنتی، به‌ویژه سخنرانی، شاگردان را به حفظ و تکرار مفاهیم علمی ترغیب می‌کنند و علی‌رغم این که در محافل علمی و تربیتی و حتی اجرائی صحبت از فعال بودن شاگرد، رشد فکری و آزاد اندیشی می‌شود اما عملاً چنین نظر گاه‌هائی جنبه‌ی شعارگونه به خود گرفته‌اند. از سوی دیگر صحبت از تقویت روحیه همکاری و رفاقت بین شاگردان و رشد اجتماعی آنان می‌شود اما در عمل نه تنها گام مؤثری در این راستا برداشته نمی‌شود بلکه اغلب اوقات همکاری و رفاقت به نوعی به رقابت تبدیل می‌شود که نتیجه‌ی آن افزایش حس حسادت، کینه و دشمنی در بین شاگردان است. سبک غالب در اکثر آموزش‌های کلاسی سنتی است به این معنا که شاگردان در زمینه‌ی یادگیری مفاهیم درسی، کمتر با موقعیت‌های چالش‌آور مواجه می‌شوند. فرصت‌های کمتری برای تعامل، همفکری، همکاری و بحث و گفتگوی معلم با شاگرد و یا شاگردان با یکدیگر فراهم می‌شود، دانش‌آموزان به یادگیری

طوطی‌وار ترغیب می‌شوند، رقابت جایگزین همکاری می‌شود و احتمال خطر جمع‌گریزی و گوشه‌گیری در بین شاگردان افزایش می‌یابد (کرامتی ۱۳۷۶).

به اعتقاد کارشناسان تعلیم و تربیت دانش‌آموزانی که از طریق یادگیری فعال به یادگیری می‌پردازند نه تنها بهتر فرا می‌گیرند بلکه از یادگیری لذت بیشتری هم می‌برند.

زیرا آن‌ها به جای این‌که شنونده‌ی صرف باشند فعالانه در جریان یادگیری مشارکت می‌کنند و خود را مسئول یادگیری خویش می‌دانند (گاردنرو جولر ۲۰۰۰).

من تصور می‌کردم تدریس شغلی است که چندان تنوعی ندارد و تنها یک نوع تدریس را در نظر داشتم که در آموزش به گروه خاصی از دانش‌آموزان که فکر می‌کردم همیشه هنگام تدریس با آن‌ها روبه‌رو خواهم بود، به خوبی از عهده‌ی آن بر می‌آمدم.

اکنون می‌بینیم که تدریس ۲۰ شغل است که در ارتباط با ۲۰ شخصیت متفاوت انجام می‌پذیرد (یک معلم مبتدی در گفتگو با بروس جویس، دسامبر ۱۹۹۵).

تجارب یادگیری از ترکیب محتوا، فرآیند و جوّ اجتماعی شکل می‌گیرند. ما هم‌چون یادگیرندگان، با همکاری دانش‌آموزان و برای آنان به خلق فرصت‌هایی برای کشف و ساخت حوزه‌های مهم دانش، و ایجاد ابزارهای قدرتمند یادگیری و زیستن در شرایط اجتماعی مطابق شأن انسان می‌پردازیم.

امروزه ما قادریم از انواع الگوهای تدریس برای طراحی جوّ اجتماعی و برنامه‌های درسی مدارس بهره‌مند شویم، به گونه‌ای که به پرورش استقلال، کاوش‌گری قاعده‌مند، همکاری و تعاون، تکوین ارزش‌های اجتماعی و عزت نفس منجر شود. از آنجا که جوّ اجتماعی پدیده‌ای فوق‌العاده قدرتمند و حائز اهمیت است، طراحی آن را نباید به شانس و تصادف واگذار کرد (جویس، بروس کالهنون، امیلی و هاپکینز دیوید ۱۳۸۹).

اموری همانند تحلیل رفتار، ارزش‌های فردی، همدلی، حل مسائل میانفردی، نقش ارزش‌ها در مسائل اجتماعی و آسودگی در ابراز عقاید در میان مردم بویژه دانش‌آموزان

ضعیف و ناقص و دچار کمبود و آفت و صدمه است. درک این مفاهیم برای زندگی اجتماعی بسیار ضروری است و با یادگیری این امور دانش‌آموز به بلوغ اجتماعی می‌رسد.

## مسئله پژوهش

کلاس درس به‌عنوان یک گروه یادگیرنده - به معنای یک کلاس درس با یک معلم - آشناترین موقعیت یاددهی/یادگیری در اکثر مدارس است، گرچه مدارس با طراحی متفاوت را نیز می‌توان یافت که در آن‌ها کلاس درس، تک معلمی غالب نیست. با این وصف، در جوامع امروزی کلاس درس است که بخش اعظم تعلیم و تربیت رسمی در داخل آن اتفاق می‌افتد، خواه دانش‌آموزان وقت خود را در یک کلاس سپری کنند یا در کلاس‌های متعدد گرد هم آیند. صرف نظر از چهارچوب برنامه‌ی درسی که از معلمان انتظار می‌رود آن را تعقیب نمایند، برنامه‌ی درسی واقعی چیزی است که معلمان در کلاس‌های درس تولید می‌کنند. روش‌های سنتی، «گچ و حرف» و «تمرین و حفظ کردن»<sup>۱</sup> هنوز استیلای خود را برانداخته‌ی (الگوهای تدریس) بیشتر معلمان حفظ کرده و طبعاً اکثر نقدهای وارده به تعلیم و تربیت نیز چنین رنگ و بویی دارد این روش‌ها موجب نیل به اهداف مدارس امروز نیست.

فرض الگوهای تدریس کارآمدتر این است که از سازماندهی کل کلاس به‌عنوان یک گروه می‌توان برای تحقق اهداف مشترک یادگیری سود جست و در درون این سازماندهی می‌توان به راحتی سازو کارهایی را برای توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان پیش‌بینی کرد. بنابراین خلق چنین موقعیت‌هایی متکی بر یک چشم‌انداز تعلیم و تربیتی است که در طرح کلی آن کل کلاس، گروه‌های کوچک و انفرادی هر یک جایگاه خاص خود را دارند. در چنین کلاس‌هایی، به‌طور مستقیم به دانش‌آموزان الگوهای آموزشی داده می‌شود که از آن‌ها می‌توان برای یادگیری به‌عنوان عضوی از جامعه‌ی کوچک کلاس، یادگیری به‌عنوان عضوی از یک گروه مشارکتی و یادگیری به صورت انفرادی استفاده کرد.

1. Drill and recite (DR)

وقتی برای نخستین بار فردی با یک الگوی تدریس جدید مواجه می‌گردد که برای تحقق برخی اهداف مناسب است، جذب آن می‌شود و می‌کوشد آن را برای همه‌ی موقعیت‌ها به کار برد. مسئولیت ما این است که با شناسایی کاربرد خاص هر الگو، و مقوله‌بندی آن، به این حوزه نظم بخشیده و دیگران را در جهت دستیابی به ابزارهای مورد نیازشان کمک کنیم (بروس جویس، ۱۹۶۵).

هنگامی که با یکدیگر کار می‌کنیم، نوعی انرژی جمعی تولید می‌کنیم که به آن «هم‌افزایی» گفته می‌شود. طراحی الگوهای خانوادگی اجتماعی بدین منظور است که از هم‌افزایی در برپا کردن اجتماعات یادگیری استفاده شود.

مطالعات اجتماعی یکی از دروس عمومی سال اول متوسطه است. دروس عمومی دروسی هستند که آموختن آنها برای ارتقای بینش هر فارغ‌التحصیل دوره متوسطه ضرورت دارد؛ محتوای کتاب مطالعات اجتماعی طوری تنظیم و سازماندهی شده که صلاحیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دانش‌آموز را تقویت می‌کند. چون در اغلب مدارس از روش‌های سنتی برای تدریس این درس استفاده می‌گردد در عمل برای دانش‌آموز ایجاد علاقه و انگیزه نمی‌کند. روش ایفای نقش از گروه خانواده اجتماعی است و تأثیر بسزایی روی مهارت‌های اجتماعی دارد. برای فهم بهتر درس مطالعات اجتماعی و یادگیری مفاهیم اساسی و تعمیق یادگیری این روش می‌تواند تأثیرگذار بوده و از حفظ کردن و یادگیری طوطی وار این درس جلوگیری کند. برنامه ریزان و مؤلفان در تهیه و سازماندهی محتوای کتاب مطالعات اجتماعی بر مشارکت دانش‌آموز در یادگیری مفاهیم اساسی و کسب توانایی برای بکارگیری آنها بسیار تأکید داشته و آن را به مثابه یک مورد توجه قرار داده‌اند. توجه به شیوه‌های نوین تدریس خصوصاً الگوهای خانواده اجتماعی و بالاخص روش ایفای نقش مشارکت فعال دانش‌آموزان را در امر یادگیری سبب می‌شود. سازماندهی محتوای درس مطالعات اجتماعی به گونه‌ای است که دانش‌آموز را به تفکر درباره مسائل و پدیده‌های اجتماعی و تحلیل آنها وامیدارد. هدف آن بالابردن سطح آموخته‌های زندگی فردی و اجتماعی دانش‌آموز است. چون شیوه‌های سنتی امروز جوابگوی این اهداف نبوده و بر محفوظات دانش‌آموز بسنده می‌نموده است.

بکارگیری شیوه‌های نوین تدریس سبب خواهد شد که دانش‌آموز در امور اجتماعی مفاهیم اساسی را بهتر درک نموده و به تجزیه و تحلیل و ارزشیابی مسائل اجتماعی پرداخته و با روش ایفای نقش خود را در موقعیت‌های اجتماعی فرض نموده و قدرت درک و استدلال و ابراز عقاید و همدلی او افزایش یابد. به عنوان مثال گروه و زندگی گروهی با وجود اهمیتی که برای فرد دارد، گاه پایگاهی می‌شود که او در آن به ستیزه با ارزش‌های اجتماع و گروه بزرگ تر بر می‌خیزد و به سوی تخریب نظم اجتماعی سوق می‌یابد؛ به عبارت دیگر، گروه‌ها در ارتباط با خویش با جامعه شمشیر دودم هستند، که هم می‌توانند نظم جامعه را تحکیم بخشند و هم آن را تخریب کنند، هم می‌توانند فرد را به پاس داری از ارزش‌های اجتماع وادارند و هم او را به فردی مخالف با جامعه تبدیل کنند.

از این رو، شناخت آسیب‌های گروه-حالت‌هایی که گروه هماهنگ با جامعه عمل نمی‌کند یا دچار حالاتی غیرعادی می‌شود- به اندازه شناخت گروه اهمیت دارد. مواردی چون دوگانگی ارزشی و بیگانگی فرد با جامعه، مطلق گرایی، تقلید و شخصیت تابع که از آسیب‌های گروه است و در کتاب مطالعات اجتماعی پایه اول متوسطه مطرح می‌شود. منتهی وجود گروه‌های خلافی که در جامعه وجود دارند همانند باندهای قاچاق و معتادان وابسته به آنها که نه تنها از اخلاق و ارزش‌های انسانی بی‌خبرند، بلکه به اصرار می‌خواهند دیگران را نیز به بدبختی خود گرفتار سازند و از این عمل نیز احساس خشنودی می‌کنند، نشاندهنده این امر است که به این موضوعات و دیگر مشکلات اجتماعی همانند انواع جرائم مثل تجاوزات، طلاق، بیکاری، قتل، دروغ‌گویی، پرخاشگری کمتر توجه شده یا نوع تدریس این قبیل دروس دانش‌آموز را به بلوغ اجتماعی نرسانده است. به دلیل وجود این گونه آسیب‌ها، انتخاب گروه به خصوص برای جوانان انتخابی بسیار مهم است؛ زیرا اشتباه در این انتخاب به تغییر مسیر زندگی جوان و گاه تباهی او می‌انجامد.

یادگیری مسائلی چون رشد همدلی با دیگران و بررسی مسائل و واقعیت‌ها و ارزش‌های اجتماعی در عمل به جوان کمک می‌کند نسبت به مسائل پیرامون خود دید وسیع‌تری داشته و تصمیمات مفیدی را برای زندگی و آینده خود بگیرد و در جامعه فرد مثرثرمتری باشد.

اساساً مدیریت کلاس درس چیزی جزء شکل دادن به روابط همکارانه در کلاس نیست. تکوین و خلق فرهنگ سازنده در مدرسه، فرآیند شکل دادن به روابط همکارانه در کلاس نیست. تکوین و خلق فرهنگ سازنده در مدرسه، فرآیند شکل‌گیری انواع تعامل‌های مولد و نیز هنجارهایی است که سطح اتکای فعالیت‌های جدی یادگیری را فراهم می‌آورد.

الگوهای خانواده‌ی اجتماعی به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا بتوانند از طریق تعامل با دیگران به تقویت قابلیت‌های شناختی خویش بپردازند؛ کار کردن به‌طور سازنده را با افرادی که دارای شخصیت‌های متنوعی هستند، بیاموزند؛ و چگونگی ایفای نقش را به‌عنوان یکی از اعضای گروه فرا بگیرند. در زمینه‌ی رشد علمی و شناختی نیز، استفاده از این الگوها باعث می‌شود دانش‌آموزان بتوانند از دیدگاه‌های دیگران بهره گرفته و به شفاف‌سازی و بسط افکار و برداشت خویش از اندیشه‌های مختلف بپردازد (جوینس بروس، کالهن امیلی و هایکینز دیوید ۱۳۸۹).

تجزیه و تحلیل ارزش‌ها کار مهمی است. اگر تجزیه و تحلیل ارزش‌ها به درستی صورت پذیرد، ایفای نقش زمینه‌ی بروز ارزش‌ها را فراهم می‌کند. با فهم این نکته که اعمال و رفتار شما بازتولید ارزش‌های مورد قبول شماست، پژوهش آغاز می‌شود (فانی شافل خطاب به گروهی از معلمان پالوآلتو، می ۱۹۶۹).

الگوی یادگیری ایفای نقش دومین نمونه‌ی ما از خانواده‌ی الگوهای اجتماعی است. ما از این الگو برای تشریح طرق مختلف پایه‌گذاری یک جامعه‌ی یادگیری در کلاس درس استفاده می‌کنیم.

در الگوی ایفای نقش، دانش‌آموزان از طریق وضع موقعیت‌های سؤال برانگیز، با جستجوی مسائل روابط انسانی پرداخته و سپس آن‌ها را مورد بحث قرار می‌دهند. دانش‌آموزان می‌توانند به اتفاق یکدیگر به بررسی احساسات، نگرش‌ها، ارزش‌ها و راهبردهای حل مسئله بپردازند.

ایفای نقش در مقام یک الگوی تدریس، ریشه در ابعاد فردی و اجتماعی تعلیم و تربیت

دارد؛ زیرا هم در صدد کمک به افراد برای یافتن خود در دنیای اجتماعی و هم در صدد حل معضلات فردی با کمک گروه اجتماعی است. این الگو در بعد اجتماعی این امکان را برای افراد فراهم می‌کند که در تحلیل اوضاع اجتماعی، به‌ویژه مسائل بین فردی، و در تدوین طرق شایسته و مردم‌سالار برای کنار آمدن با این شرایط، با یکدیگر همکاری کنند. ما الگوی ایفای نقش را در خانواده‌ی الگوهای اجتماعی جای داده‌ایم؛ زیرا گروه اجتماعی در پرورش اساس نقش انکارناپذیری ایفا کرده، و برای رفع معضلات اجتماعی و بین فردی فرصت‌های ویژه‌ای را فراهم می‌سازد. چندین گروه از پژوهش‌گران با شیوه‌ی ایفای نقش آزمایش‌هایی انجام داده و برداشت‌های آن‌ها از این راهبرد نیز شباهت خاصی با یکدیگر داشته است. جوهره‌ی الگوی ایفای نقش شامل درگیر شدن شرکت‌کنندگان و مشاهده‌گران در یک موقعیت واقعی، و میل آنان به شناسایی و حل مسئله‌ای است که در جریان این درگیری حاصل می‌شود. الگوی ایفای نقش نمونه‌ی زنده‌ای از رفتار انسانی را عرضه می‌کند که به‌عنوان ابزاری برای دانش‌آموزان در انجام امور ذیل به‌کار می‌آید.

❖ کشف احساسات خویش

❖ کسب بصیرتی درباره‌ی نگرش‌ها، ارزش‌ها و ادراکات خویش

❖ بهبود مهارت‌ها و نگرش‌های مشکل‌گشایی خویش

❖ کاوش در موارد درسی، از راه‌های گوناگون

## سوالات تحقیق

۱. آیا کاربرد روش ایفای نقش موجب افزایش یادگیری می‌شود؟
۲. آیا بین بکارگیری روش ایفای نقش و افزایش میزان یادگیری رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد؟



## اهداف پژوهش

- استفاده از روش تدریس ایفای نقش در درس مطالعات اجتماعی موجب پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در درس مذکور می‌شود.
- روش ایفای نقش بر سرعت یادگیری درس مطالعات اجتماعی می‌افزاید.
- روش ایفای نقش بر رشد مهارت‌های اجتماعی تأثیر مثبت دارد.

## روش تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق روش شبه تجربی می‌باشد. عضویت در گروه‌های آزمایشی و کنترل در این روش به گونه‌ی طبیعی و بدون دخالت پژوهش‌گر تعیین می‌شود. پژوهش‌گر توجه دارد که در این دو گروه، کاربندی‌هایی که صورت می‌گیرد باید از همه جهات به غیر از روش تدریس، یکسان باشد. بر پایه‌ی این روش می‌توان اطمینان داشت که اگر تفاوت یا تفاوت‌هایی در پیشرفت درس مطالعات اجتماعی این دو گروه مشاهده شود باید به سبب اجرای روش تدریس باشد.

## جامعه‌ی مورد نظر پژوهش

دانش‌آموزان دختر مقطع آموزش متوسطه شهرری

## نمونه‌ی آماری

روش نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای است. نمونه‌ای با حجم کلی ۱۲۰ نفر در چهار گروه ۳۰ نفری به صورت تجانس گروهی از بین دانش‌آموزان متوسطه ناحیه دو شهرری انتخاب و جایگزین می‌شوند.

دو گروه گواه و آزمایشی به صورت تصادفی انتخاب می‌شوند.

## روش گردآوری اطلاعات

داده‌های مورد نیاز از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شده است. از روش کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری مبانی نظری و پیشینه‌ی تحقیق استفاده شد.

داده‌های میدانی از طریق آزمون درس مطالعات اجتماعی و پرسش‌نامه نظرسنجی معلمان با نظارت پژوهشگر گردآوری شد.

## ابزار گردآوری اطلاعات

از آزمون درس مطالعات اجتماعی و پرسشنامه استفاده شد.

روش‌های تجزیه و تحلیل اطلاعات مانند: فراوانی، درصد، نمودار، نسبت، ضریب همبستگی، میانگین و انحراف استاندارد استفاده می‌شود.

از شاخص‌های آمار استنباطی، آزمون معنادار بودن ضریب همبستگی، ضریب تعیین و آزمون  $t$  مستقل استفاده شد.

## محدودیت‌های پژوهش

هیچ پژوهشی نمی‌تواند کامل باشد و مسلماً همراه با محدودیت‌هایی است، زیرا هر پژوهش راهی است به سوی پژوهش‌های آتی. این پژوهش نیز همراه با محدودیت‌هایی بود. محدودیت‌های این پژوهش به شرح زیر است:

۱. چون دانش‌آموزان با روش ایفای نقش آشنایی نداشتند، روند آموزش به مشکل بر می‌خورد و دانش‌آموزان با معلم همکاری لازم را نداشتند.
۲. برای اینکه دانش‌آموزان به فعالیت اجرای نقش توسط دانش‌آموزان بپردازند وقت بسیاری باید صرف کنند.

۳. چون فقط ناحیه ۲ شهر ری مورد پژوهش قرار گرفته نمی‌توان نتایج آن را به سایر مناطق تعمیم داد.
۴. در این پژوهش فقط روش ایفای نقش تدریس شده و سایر روش‌های تدریس مورد بررسی قرار نگرفته است.
۵. در این پژوهش فقط درس مطالعات اجتماعی را بررسی نموده و سایر دروس مقطع متوسطه مورد توجه قرار نگرفته اند.
۶. در این روش تدریس به معلمان ماهر آشنا به شیوه ایفای نقش نیاز است که مهارت لازم را داشته باشند و قبلاً آموزش دیده باشند.

## تعاریف عملیاتی

تدریس: تعامل یا رفتار متقابل معلم و شاگرد، براساس طراحی منظم و هدف دار معلم، برای ایجاد تغییر در رفتار دانش‌آموز شعبانی ۱۳۷۱

الگوی ایفای نقش: این الگو برای کمک به دانش‌آموزان در بررسی ارزش‌های فردی و اجتماعی تدوین شده است. ایفای نقش به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا استراتژی‌هایی را برای درک و رفع مشکلات اجتماعی مختلف، از تضاد در گروه‌های کوچک گرفته تا تضاد در اجتماعات بزرگ را فراگیرند.

(شفتل فانی، شفتل جرج)

## درس مطالعات اجتماعی

مطالعات اجتماعی یکی از دروس عمومی سال اول متوسطه است و دروس عمومی دروسی هستند که آموختن آنها برای ارتقای بینش علمی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر فارغ التحصیل دوره متوسطه ضرورت دارد؛ بنابراین، محتوای این کتاب طوری تهیه و سازماندهی شده است که صلاحیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی

دانش‌آموز را تقویت می‌کند (رجب زاده، احمد، ملکی، حسن و ناصری، محمدمهدی، ۱۳۸۷).

### سایر فصول پژوهش (خلاصه‌یی از سایر فصل‌های تحقیق)

**فصل دوم:** در این فصل به پیشینه‌ی نظری الگوهای جدید تدریس و مراحل تدریس، روش‌های تدریس خانواده، الگوهای اجتماعی تدریس و پیشینه‌ی موضوع تحقیق می‌پردازد.

**فصل سوم:** در این فصل به موضوعات روش‌شناسی پژوهش، روش تحقیق، جامعه و نمونه‌ی آماری تحقیق ابزار گردآوری اطلاعات و شیوه‌های تجزیه و تحلیل اشاره می‌شود.

**فصل چهارم:** در این فصل به تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش که شامل نظرات منابع اطلاعاتی، جدول و ... می‌باشد توجه شده است.

**فصل پنجم:** در این فصل به جمع‌بندی تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش و ارائه نتایج به‌دست آمده و پیشنهادها و توصیه‌های پژوهش‌گرانه اختصاص داده شده است.

## فصل دوم:

# ادبیات و پیشینه‌ی تحقیق

### مقدمه

سیر تغییر و تحولاتی که در جهان کنونی در حال وقوع است و با سرعت شتابانی که دانش و اطلاعات دارد، نگرش و تفکرات، نیاز و مهارت‌های انسان‌ها را تحت تأثیر قرار داده است؛ می‌طلبد که نظام‌های تعلیم و تربیت در سراسر دنیا آماده پذیرش دگرگونی و تغییرات باشند.

تغییر سریع دانش و تکنولوژی در جهان، مشکلات عمده‌ای را بر سر راه نظام‌های آموزش و پرورش جهانی قرار داده است که یکی از مهمترین آنها پاسخ به این پرسش است که دانش‌آموزان در مدرسه چه باید بیاموزند، تا با آموخته‌های خود بتوانند برای زندگی در دنیای متغیر و متحول فردا آماده شوند.

نظام‌های آموزشی و فعالیتهای حاکم بر آن، با توجه به پیشرفت جوامع همواره دست

خوش تغییر و تحول است و تحول آموزشی خود معلول تحول اجتماعی و تحول علوم و تکنولوژی است. با پیشرفت علوم و متون و پیچیده شدن جوامع، نیازهای فردی و اجتماعی نیز پیچیده و متنوع می‌شوند و ارضای آنها احتیاج به علوم و فنون پیچیده دارد. کسب علوم و فنون جدید در سایه روش‌های آموزش پیشرفته امکانپذیر است. به این جهت وظیفه و مسئولیت معلم امروز نسبت به گذشته سنگین تر و پیچیده تر شده است. دیگر نمی‌توان با روش‌های سنتی جامعه و افراد آن را به سوی یک تحول پیچیده و پیشرفته سوق داد (شعبانی، ۱۳۸۲).

امروزه فراگیران برای ورود به عصر دانایی و روبرو شدن با تحولات شگفت‌انگیز قرن بیست و یکم باید به طور فزاینده‌ای مهارت‌های تفکر انتقادی و خلاق را برای تصمیم‌گیری‌های مناسب و حل مسائل پیچیده جامعه فراگیرند. دانش‌آموزان باید به مهارت‌های پژوهش و حل مسئله مجهز شوند و روحیه جستجوگری را در خود تقویت کنند.

همچنین علیرغم ایجاد تغییرات عمیق فرهنگی در شیوه‌های زندگی بسیاری از افراد در رویارویی با مسائل زندگی فاقد توانایی‌های لازم و اساسی‌اند و همین امر آنان را در مواجهه با مسائل و مشکلات زندگی روزمره و مقتضیات آن آسیب پذیر نموده است.

مهارت‌های زندگی، مهارت‌هایی است که برای افزایش توانایی‌های روانی-اجتماعی افراد آموزش داده می‌شود و فرد را قادر می‌سازد که به طور مؤثر با مقتضیات و کشمکش‌های زندگی روبرو شود. هدف از آموزش مهارت‌های زندگی افزایش توانایی‌های روانی اجتماعی و در نهایت پیشگیری از ایجاد رفتارهای آسیب‌زننده به بهداشت و سلامت، و ارتقای سطح سلامت روانی افراد است (فتحعلی لواسانی، ۱۳۸۴).

وقتی با هم کار می‌کنیم، یک انرژی جمعی بنام سینرژی (هم‌افزایی) تولید می‌کنیم.

الگوهای اجتماعی تدریس به وسیله تشکیل گروه‌های یادگیری، از این پدیده استفاده می‌کنند. اساساً، مدیریت کلاس درس، ایجاد ارتباطات جمعی را در کلاس درس دربر می‌گیرد. ایجاد فرهنگ مثبت در مدرسه فرآیندی است برای توسعه راه‌های سازنده و

منسجم تعامل و هنجارهایی که فعالیت یادگیری قوی را حمایت می‌کنند.

الگوهای اجتماعی شبیه به هم هستند، از این جهت که همگی مهارت‌های اجتماعی و سینرژی (هم‌اقرایی) را افزایش می‌دهند و در نهایت در دانش‌آموزان تعهد اجتماعی ایجاد می‌کند و ابزارهایی را برای مشارکت در بالاترین اشکال جریان (فرایند) دموکراتیک فراهم می‌نمایند.

تمام الگوها، احترام به دیگران و رشد ارزش‌های فردی قوی را مورد تشویق قرار می‌دهند. تمام الگوها به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا از طریق بررسی (کاوشگری) جمعی، ساخت دانش را فراگیرند (قورچیان، نادرقلی، ۱۳۷۹).

### ضرورت ایجاد تحول در فرایند یاددهی و یادگیری

امروزه سازمان‌هایی موفق هستند و می‌توانند در دنیای پر رقابت ادامه حیات بدهند که دائماً افکار و اندیشه‌های جدید را در سازمان کاربردی کنند و این امر توسط مدیران و کارکنان خلاق امکانپذیر است؛ نه تنها در سازمان‌ها بلکه در نظام‌های آموزشی نیز تأکید عمده بر پرورش خلاقیت دانش‌آموزان و دانشجویان است. معیار اساسی موفقیت یک نظام آموزشی در این است که چقدر افراد با فکر و خلاق تربیت می‌کند و به تعبیری معلم خوب را کسی می‌داند که تفکر و چگونگی استفاده از اطلاعات را به دانش‌آموزان یاد دهد و آنها را خلاق بار آورد. خلاقیت موضوع جالب و بحث‌انگیزی هست که تأثیر آن در موفقیت و پیشرفت افراد ثابت شده است. اما این که آیا می‌توان به آموزش خلاقیت پرداخت و آن را به افراد آموزش داد تا بوسیله آن برنامه‌های دیگر آموزشی خود را پیش ببرند اکثر صاحب نظران امکان چنین آموزشی را تأیید کرده‌اند. اکثر روانشناسان آموزشی چه در مکتب شناختی و چه در مکاتب رفتاری معتقدند که خلاقیت و آفرینندگی قابل آموزش هستند.

بنابراین، خلاقیت برای بقای هر جامعه و هر سازمانی لازم است و برای ایجاد و تداوم آن در افراد سازمان بایستی عادت به تفکر را در میران و کارکنان و معلمان و دانش‌آموزان ایجاد کرد چرا که خلاقیت با تفکر بوجود می‌آید و ارزش تفکر به قدری زیاد است که در

تعالیم اسلامی ارزش یک ساعت تفکر گاهی با ۶۰ سال عبادت بدنی بدون تفکر ارتقا یافته است. وقتی تفکر برای انسان عادت شود، به دنبال آن خلاقیت و تولید افکار و اندیشه‌های جدید در تک تک فراگیران به صورت یک امر روزمره و همیشگی در می‌آید و نهادینه می‌گردد و جامعه تبدیل به یک جامعه خلاق می‌شود که حاصل آن ایجاد سینرژی در خلاقیت است. از مهمترین نهادهای توسعه آموزش است. اگر بپذیریم اساس، بنیان و شالوده جوامع انسانی را علم و دانش و فرهنگ آنها تشکیل می‌دهد، به خوبی نقش آموزش در این دایره مشهود و مشخص خواهد شد. آموزش رکن مهمی را در توسعه و تکامل همه جانبه و موزون، در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایفاء می‌کند. جهان امروز، جهان علم و اندیشه و عصر اندیشمندان و مبتکرین و خلاقان است و تنها به واسطه علم می‌توان به علل امور پی برد. بدیهی است جامعه‌ای موفق و پایدارتر است که زیربنای علمی آن از استحکام بیشتری برخوردار باشد و بالطبع هر قدر سطح علم و دانش یک جامعه فزونی یابد، مشکلات و نواقص آن تقلیل یافته که قطعاً تحقق این امر در سایه برنامه ریزی دقیق و منسجم آموزشی میسر و امکانپذیر می‌باشد. هدف عمده و نهایی هر دوره آموزشی، پرورش نیروهای متخصص و کارآمد و متناسب ساختن قابلیت‌های وجود آنان با تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است تا توانایی مورد نیاز را برای دریافت و ایفای نقشی که در پیشبرد وظایف اجتماعی و شغلی در جهت پاسداری از ارزش‌های معقول جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، کسب نمایند، با عنایت به این که رشد سریع و شتابان فن آوری، تغییرات و تأثیرات شگرفی در ارکان اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به همراه داشته است، اتخاذ شیوه‌هایی که هماهنگ کننده برنامه‌های آموزشی با توسعه تکنولوژی و تحول و متضمن نیروی انسانی ماهر و متخصص مورد نیاز آن باشد، اجتناب ناپذیر است (توسعه، جامعه و آموزش، اویسی، ۱۳۸۳).

ورود فن‌آوری‌های نوین به حیطه آموزش سبب می‌شوند تا کارآیی فرایند یاددهی و یادگیری به شکل‌های گوناگون افزایش یابند و تحول اساسی در شیوه‌ها و راهکارهای یاددهی و یادگیری بوجود آید. وظیفه تدریس در زمان ما دچار دگرگونی‌های شدیدی شده است. معلم در زمان‌ها نقش بزرگی به عهده دارد (جهانی شدن بیم‌ها و امیدها، اویسی،



۱۳۸۲).

امروزه فراگیران برای ورود به عصر دانایی و روبرو شدن با تحولات شگفت انگیز قرن بیست و یکم باید به طور فزاینده‌ای مهارت‌های تفکر انتقادی و خلاق را برای تصمیم‌گیری‌ها مناسب و حل مسائل پیچیده جامعه فراگیرند. دانش‌آموزان باید به مهارت‌های پژوهش و حل مسئله مجهز شوند و روحیه جستجوگری را در خود تقویت کنند.

برای تربیت چنین شهروندانی که بتوانند به مسائل جهانی بیندیشند، به ارزش‌های والای انسانی معتقد باشند، افراد حافظ قانون، مهربان و درستکار، دارای یک درک سیاسی، اجتماعی و اقتصادی عمیق باشند و بتوانند با تفکر منطقی و نقاد خود، سرنوشت جامعه جهانی را بررسی و ارزیابی کنند، آموزش مهارت‌های تفکر و یادگیری از طریق روش‌های یاددهی-یادگیری فرایند محور (فعال) ضروری به نظر می‌رسد و لازم است برای آن برنامه ریزی شود. راه اساسی برای تحقق این مهم، تغییر بنیادی در روش‌های آموزش و یادگیری مدارس است. لذا روش‌های تدریسی که بتوانند فعالیت دانش‌آموزان را تقویت کنند و یادگیری را به یک جریان دوسویه و فعال تبدیل کنند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

اگر فراگیران بتوانند در حین آموزش و پرورش، استعدادهایشان را شکوفا سازند و پیوسته احساس موفقیت کنند، و در مدرسه فرصت بررسی مسائل شخصی و اجتماعی شان را داشته باشند، براحتی می‌توانند ارزش‌های اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه خود را کسب کنند و لذا از احساس بی‌کفایتی و بیگانگی اجتماعی در امان باشند. معلم اگر با اصول و مبانی و هدف‌های آموزش و پرورش، ویژگی‌های فراگیران و نیاز آنان، روش‌ها و فنون تدریس و سایر مهارت‌های آموزشی آشنایی نداشته باشد، هرگز قادر نخواهد بود زمینه شکوفایی استعداد شاگردانش را فراهم کند و آنان را برای زندگی در جامعه متحول امروزی آماده نماید (شعبانی، ۱۳۸۲، ص ۳).

ضرورت ایجاد تحول در فرآیند یاددهی-یادگیری و روش‌های تدریس مورد اذعان تمامی صاحب‌نظران و مسئولین آموزش و پرورش می‌باشد. تأکید بر روش‌های فعال و مشارکتی تدریس و جنبه‌های کاربردی دروس زمینه‌های تفکر را در دانش‌آموزان تقویت

نموده، یادگیری از دوام و عمق بیشتری برخوردار گردیده و انگیزه فراگیران را افزایش می‌دهد. توجه به فعالیت‌های آزمایشگاهی و کارگاهی در مدارس سبب اعتلای آموزش و رشد خلاقیت‌های دانش‌آموزان می‌شود.

امروزه دانش حرفه‌ای معلمان از مهمترین چالش‌ها در رشد و توسعه نظام‌های آموزش کشور ماست. زمانی که معلمان توانایی‌های خود را رشد نمی‌دهند، الزاما نگاهی موضوع وار به آموزش داشته و وظیفه خود را صرفا انتقال محتوای درسی به فراگیران می‌دانند. مطالعات نشان داده است بهمیزانی که مهارت‌های حرفه‌ای معلمان ارتقا می‌یابد، به همین نسبت سطح و عمق یادگیری فراگیران گسترش می‌یابد.

ارتقاء حرفه‌ای و تخصص گرایی در سطح مدرسه و افزایش قدرت تخصصی معلمان به اصلاح فرایند یاددهی- یادگیری کمک نموده و منجر به مشارکت معلمان و انطباق برنامه درسی با نیاز یادگیرندگان به هنگام اجرای آن می‌شود. در چنین شرایطی به دلیل مداخله مؤثر معلم، کار برای آنها جذاب تر بوده و برنامه درسی از انعطاف بیشتری برخوردار می‌شود. این امر زمانی امکانپذیر است که معلمان به رشد حرفه‌ای دست یافته و قادر شوند فرصت‌های یادگیری متنوع تری را برای دانش‌آموزان خود فراهم کنند. بر این اساس، ارتقا مهارت حرفه‌ای معلمان یک فرایند مداوم و تجدیدشونده است که از بدو خدمت شروع شده و تا پایان آن ادامه می‌یابد.

در روند تعلیم و تربیت، روش‌های فعال تدریس به منزله ابزارهای کار معلمان تلقی می‌گردند، هر اندازه که با روش‌های متفاوت آشنا باشیم ابزارهای متعددی را در اختیار خواهیم داشت. توسط این ابزارهاست که می‌توان محتوا و موارد دلخواه را با توجه به عامل زمان و مکان در اختیار دانش‌آموزان قرار داد (قورچیان، ۱۳۷۹).

پیچیدگی تدریس کاملا مشخص است، یک معلم روزانه بیش از ۳۰۰۰ مورد تصمیم‌گیری مهم دارد. بهتر است تدریس را به عنوان یک حرفه در نظر بگیریم، بلکه آن را ترکیبی از چند حرفه که از مهارت‌های مدیریت بازرگانی، روابط انسانی و هنرهای نمایشی تشکیل شده است، در نظر بگیریم (قورچیان، ۱۳۷۹).

روش‌های فعال تدریس جزو مهارت‌های حرفه‌ای معلمان محسوب می‌شود و هنر معلم در کیفیت انتخاب و اجرای آنهاست. از آن جا که اطلاعات و توانایی‌های افراد متفاوت است، نحوه یادگیری و چگونگی آموزش آنها نیز متفاوت خواهد بود. به این سبب، معلمان باید به روش‌های گوناگون تدریس مجهز باشند تا بتوانند براساس توانایی فراگیران خود، تدریس مطلوبی را ارائه دهند. امروزه روش‌های فعال تدریسی که بتواند فعالیت‌های دانش‌آموزان را تقویت و یادگیری را به یک جریان دوسویه تبدیل کند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. ولی متأسفانه امروزه اغلب فرایندهای آموزشی، آثار و اهداف مورد نظر یادگیری را به دست نمی‌آورند و کلاس محل تکثیر دانش و اطلاعات می‌شود و معلم می‌کوشد کلیه مفاهیم را در ذهن دانش‌آموزان انبار کند و خلاقیت، نوآوری و رشد استعدادهای آنان را نادیده بگیرد که چنین یادگیری نیز پایدار نخواهد ماند (فضلی خانی، ۱۳۷۸).

برای یادگیری مطلوب و تربیت عقلانی دانش‌آموز، شیوه‌های تدریس فعال یکی از موفق‌ترین راهکارهای آموزشی است. نظریه‌های موجود و یافته‌های تحقیقات انجام شده، نحوه این مطالب است که دانش‌آموزانی که با فرایند یاددهی-یادگیری فعال، آموزش دیده‌اند نسبت به سایر دانش‌آموزان پیشرفت تحصیلی بهتری دارند (فقیهی، ۱۳۷۹).

در روش‌های تدریس فعال، یادگیری بیشتر به صورت یک فرایند در نظر گرفته می‌شود. در روش‌های تدریس فرایندی که به روش‌های فعال، اکتشافی و ارگانیک شهرت دارند، نقش اصلی به یادگیرنده واگذار می‌شود، اوست که با کوشش جسمی، عاطفی و عقلی خود در فرایند یادگیری درگیر می‌شود. در این روش‌ها معلم بیشتر در نقش تسهیل‌کننده و ایجادکننده فرصت‌های مناسب برای یادگیری ظاهر می‌شود (احمدی، ۱۳۸۲).

روش‌های فعال تدریس ابزارهایی هستند که معلمان توسط آنها به اهداف تعلیم و تربیت می‌رسند. در این روش‌ها یکی از شرایط لازم برای اهداف تعلیم و تربیت و دستیابی به آن نقشی است که در جریان یادگیری به عهده شاگرد گذاشته می‌شود، به عبارت دیگر، یادگیری وقتی صورت می‌گیرد که دانش‌آموز خود به یادگیری اقدام کند (جوینس و همکاران، ۲۰۰۰، ترجمه بهرنگی، ۱۳۸۱).

روش‌های تدریس مختلفی وجود دارد که هر کدام برای شرایط و درس خاصی مناسب تر است، لذا معلم باید با توجه به هدف‌های آموزشی، موضوع درس، ویژگی‌های دانش‌آموزان و غیره بهترین روش را انتخاب نماید. آگاهی و تسلط معلمان در مورد روش‌های تدریس و نحوه و شرایط استفاده از آن تأثیر زیادی در موفقیت حرفه‌ای آنان دارد. از تدریس تعریف‌های متعددی ارائه شده است. نظریه‌های ارائه شده در مورد تدریس، به نوعی با یکدیگر تفاوت دارند ولی با وجود این، می‌توان نظریه‌های مختلف را در قالب و چارچوب بزرگتری تحت عنوان یک نظریه جامع تدریس ارائه کرد.

شیوه‌های متنوعی در تدریس وجود دارد که هر کدام برای شرایط و درس خاصی مناسب تر است، لذا معلم باید با توجه به هدف‌های آموزشی، موضوع درس، ویژگی‌های دانش‌آموزان، امکانات موجود، جو حاکم بر کلاس، تعداد فراگیران، زمان در اختیار کلاس و دهها مسئله دیگر، مناسب ترین شیوه تدریس را انتخاب کند (سیف، ۱۳۸۰، ص ۴۰۴).

پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد معلم و شیوه ارائه مطالب به وسیله وی عامل مهمی در رشد علمی، اخلاقی و اجتماعی دانش‌آموزان محسوب می‌شود (سیف، ۱۳۷۱).

نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که در اجرای دوره‌های آموزش ضمن خدمت، باید توجه برنامه ریزان به روش‌های تدریس فعال، به جای روش‌های سنتی، معطوف گردد به گونه‌ای که گرایش به سوی خلاقیت و تقویت تفکر و استدلال باشد (یوسفی، ۱۳۸۵).

پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که معلمان دوره ابتدایی در جنبه مهارت‌های تدریس علی‌الخصوص در درس فارسی، ریاضی، علوم، هدیه‌های آسمانی با مشکلات بیشتری مواجه هستند (یوسفی، ۱۳۸۵).

آگاهی و تسلط معلمان در مورد روش‌های تدریس و نحوه و شرایط استفاده از آن تأثیر زیادی در موفقیت معلمان در مورد روش‌های تدریس و نحوه و شرایط استفاده از آن تأثیر زیادی در موفقیت حرفه‌ای آنان دارد. اگر روش تدریس انتخاب شده با اهداف توانایی فراگیران، محتوای دروس و غیره منطبق نباشد و یا معلم مهارت‌های لازم برای استفاده

از آن روش‌ها را به دست نیآورده باشد یا زمینه اجرای آن روش‌ها در کلاس فراهم نباشد، در این گونه موارد معلم با شکست مواجه می‌شود و کیفیت تدریس او مناسب نخواهد بود. وظیفه معلم این است که با شناخت دانش‌آموزان و آگاهی از چگونگی کاربرد شیوه‌های مختلف تدریس، مدل مناسبی برای تدریس انتخاب کند (نصر اصفهانی، ۱۳۷۱).

از تدریس همانند یادگیری تعریف‌های متعددی ارائه شده است. از بررسی مجموعه تعاریف ارائه شده در این زمینه می‌توان نتیجه گرفت که تدریس یک فعالیت است، اما نه هر نوع فعالیتی، بلکه فعالیتی که آگاهانه و براساس هدف خارجی انجام گیرد، فعالیتی که بر پایه وضع شناختی دانش‌آموزان انجام می‌پذیرد و موجب تغییر آنان می‌شود، اگرچه هنوز هستند کسانی که براساس الگوها و روش‌های سنتی، تدریس را تنها به تلاش و فعالیت معلم در کلاس اطلاق می‌کنند. در هر صورت، اگر یادگیری را (تغییر در فرایند تدریس بر اثر تجربه) بدانیم، بدون شک فعالیتی که موقعیت را برای تغییر فراهم کند یا ایجاد موقعیتی که تجربه را آسان تر کند و تغییر لازم را در شاگرد سبب شود، تدریس نام دارد. در نتیجه عمل تدریس یک سلسله فعالیت‌های مرتب، منظم، هدف دار و از پیش طراحی شده است؛ فعالیتی که هدفش ایجاد شرایط مطلوب یادگیری است، فعالیت که به صورت تعامل و رفتار متقابل بین معلم و فراگیر جریان دارد؛ یعنی ویژگی‌ها و رفتار معلم در فعالیت‌ها و اعمال شاگردان تأثیر می‌گذارد و بالعکس از ویژگی‌ها و رفتارهای آنها متأثر می‌شود (شعبانی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۳).

در طول بیست سال اخیر، در زمینه تدریس، نظریه‌های قابل توجهی طرح و ارائه شده است که تعداد زیادی از آنها به تازگی توسط گانیر و دیک (۱۹۸۴)، مورد بررسی و تجدیدنظر قرار گرفته اند. با توجه به تمامی این نظریه‌ها می‌توان گفت که تاکنون نظریه پردازان موفق به ارائه یک نظریه تدریس هماهنگ و واحد نشده اند. در رابطه با روش‌های تدریس از سوی صاحب‌نظران این حوزه، طبقه بندی‌های مختلفی ارائه شده است، جویس و ویل روش‌های مختلف تدریس را در چهار گروه الگوهای اجتماعی- اطلاعات پردازشی- انفرادی و رفتاری تقسیم بندی نموده اند. در گروه (اجتماعی) راهبردهای تدریس یاران در یادگیری، تفحص گروهی، ایفای نقش و کاوش گری به شیوه محاکم قضایی قرار

می‌گیرد. در گروه (اطلاعات پردازشی) که بر راههای تقویت کشش درونی انسان برای درک جهان از طریق گردآوری و سازماندهی اطلاعات اولیه، کشف مسائل و ارائه راه حل‌های آنها تأکید دارند و روش‌های تدریس استقرایی، دریافت مفهوم، یاد یارها، پیش سازمان دهنده، کاوشگری علمی و بدیعه پردازشی قرار می‌گیرد. این دسته از راهبردهای تدریس برای بررسی و شناخت خود و جامعه و برای حصول به هدف‌های فردی و اجتماعی آموزش و پرورش مفید و مؤثر می‌باشد. در گروه (فردی) که در صدد آموزش شناخت بهتر خود و پذیرش مسئولیت آموزش توسط فرد و رسیدن به حد بالاتری از رشد فعلی افراد و جستجوی زندگی خلاق تر می‌باشد، راهبردهای تدریس (غیرمستقیم) و (افزایش عزت نفس) قرار می‌گیرد که توسط کاسل راجرز و آبراهام مازلو به وجود آمده و به همت بروس جویس گسترش یافته اند. در گروه (سیستم‌های رفتاری) که نظریه اجتماعی یادگیری (یا تغییر رفتار) مبنای آنها می‌باشد انسان‌ها را به عنوان سیستم‌های مقابله پیام با رفتاری خود اصلاح‌گرانه و تغییردهنده رفتار ناشی از اطلاعات دریافت شده درباره نحوه انجام موفقیت آمیز وظایف است. فنون رفتاری برای دامنه وسیعی از هدف‌های آموزش مستقیم، شبیه سازی و یادگیری اجتماعی در این گروه قرار می‌گیرند (جویس و همکاران، ۲۰۰۰).

میرلوحی (۱۳۸۰)، روش‌های تدریس را در سه گروه روش‌های مستقیم، نیمه مستقیم و غیرمستقیم تقسیم بندی می‌نماید. به نظر ایشان، روش‌های تدریس مستقیم به روش‌هایی گفته می‌شود که در آن معلم خود به تنهایی موضوع درسی را ارائه می‌کند. روش‌های سخنرانی، نشان دادن (نمایشی) و روش انجام دادن در این گروه قرار می‌گیرند. روش‌های تدریس نیمه مستقیم مبتنی بر کار مشترک میان معلم و فراگیر بوده و یادگیری دانش‌آموز تحت هدایت و رهبری ضمنی و نیمه مستقیم معلم قرار دارد. از روش‌های تدریس نیمه مستقیم مبتنی بر کار مشترک میان معلم و فراگیر بوده و یادگیری دانش‌آموز تحت هدایت و رهبری ضمنی و نیمه مستقیم معلم قرار دارد. از روش‌های تدریس نیمه مستقیم می‌توان به روش پرسش و پاسخ، روش گفتگو (بحث گروهی) و روش جهت دهی اشاره نمود. و بالاخره گروه سوم روش‌های تدریس غیرمستقیم هستند که در این روش‌ها دانش‌آموزان بدون راهنمایی و هدایت مستقیم معلم به یادگیری می‌پردازند. روش تدریس مستقیم